

قرآن و تحریف تورات با توجه به آیه ۷۵ سوره بقره

دکتر سید محمد مرتضوی □ الهه سلیمی □

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۲۶

چکیده

یکی از حقایقی که قرآن کریم طی برخی آیات به بیان آن پرداخته وقوع تحریف در تورات است. عده‌ای از مفسران تحریف لفظی تورات را پذیرفته، شماری نیز به تحریف معنوی تورات معتقدند. تبیین انواع تحریف لفظی و معنوی تورات با محوریت آیه ۷۵ سوره بقره، موضوع این مقاله است که بعد از بررسی آرای مفسران ذیل این آیه و در نظر گرفتن دیگر آیات قرآن کریم، به این نتیجه رسیده است که تحریف معنوی تورات از سوی دانشمندان یهود انکارناپذیر است، ولی اثبات تحریف لفظی تورات با تأکید بر آیه ۷۵ سوره بقره ممکن نمی‌باشد که شرح ادله و مستندات آن را باید در مقاله جست‌وجو کرد.

کلید واژه‌ها: قرآن، تورات، تحریف لفظی، تحریف معنوی، آیه ۷۵

سوره بقره.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. کارشناسی ارشد مبانی نظری اسلام salimi11524@yahoo.com.

تحریرف از ماده «حَرْف» به معنای طرف، جانب، کرانه و کنار شیء است^۱ و مصدر تفعیل آن به معنای برگرداندن و میل دادن چیزی به یک جانب و کنار زدن چیزی از جایگاه اصلی خود،^۲ تغییر و تبدیل آن است.^۳ راغب می‌نویسد: «تحریرف شیء این است که آنرا به یک سو و جهت میل دهند؛ مثل تحریرف قلم (که آنرا تراشیده، به یک سو میل می‌دهند) و تحریرف کلام، حمل آنرا بر یکی از دو احتمال است».^۴

در قرآن کریم در چهار مورد، تحریرف کلام با عباراتی چون «تحریرف الکلام و تحریرف الکتاب» به کار رفته است.^۵

تحریرف در اصطلاح به هفت معنا آمده است:^۶

تحریرف در دلالت کلام: یعنی تفسیر و تأویل ناروا، به گونه‌ای که لفظ با تفسیری که از آن می‌شود، هماهنگ نباشد.^۷

تحریرف موضعی: به این معنا که آیه‌ای بر خلاف ترتیب زمان نزولش بیان گردد.^۸

تحریرف در قرائت: یعنی کلمه‌ای را بر خلاف قرائت متداول میان عموم تلفظ نمود.^۹

-
۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۲۲۸.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۹، ص ۴۳.
 ۳. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، ج ۲۳، ص ۱۳۷؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، *تاج اللغه و صحاح العربیه*، ج ۴، ص ۱۳۴۳.
 ۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۲۲۸.
 ۵. بنگرید به: بقره/۷۵؛ نساء/۴۶؛ مائده/۱۳؛ مائده/۴۱.
 ۶. بنگرید به: معرفت، محمد هادی، *صیانة القرآن من التحریف*، ص ۱۶-۱۹.
 ۷. آل عمران/۷۸.
 ۸. نساء/۴۶.
 ۹. نساء/۴۶.

تبدیل کلمات: اینکه لفظی را برداشته، لفظی مترادف یا غیر مترادف آن را جایگزین اجزای کلام کنیم.^۱

تحریف در ادای کلمات: تغییر دادن لهجه کلام به هنگام تکلم، به گونه‌ای که معنای دیگری از آن فهمیده شود.^۲

افزودن بر مطلب: افزودن یک حرف یا یک کلمه به عنوان تفسیر در خلال آیه، تا مراد آن روشن‌تر گردد.^۳

کاستن از مطلب: بخشی از کتاب از روی سهو و اشتباه و یا به عمد کم شود، خواه این کاستن در قرائت باشد و خواه در کتابت.^۴

از جمله آیاتی که به وقوع تحریف در تورات اشاره دارد، آیه ۷۵ سوره بقره است: (أَقْتَطَمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ)؛ آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند.

در این مقاله قصد داریم نوع تحریف مورد نظر را در این آیه تبیین کنیم. نخست تبیینی درباره مفردات آیه ضرور می‌نماید.

- «کلام». این واژه در اصل لغت، صداهای پی‌درپی است که معنای مفهومی را می‌رساند و در حقیقت همان معنای قائم به نفس است؛^۵ چنان‌که قرآن می‌فرماید: (يَقُولُونَ فِي انْفُسِهِمْ)؛^۶ آمدی و گروهی دیگر معتقدند: مراد از اطلاق لفظ «کلام»

۱. بقره/۲۱۱.

۲. نساء/۴۶.

۳. بقره/۷۹.

۴. آل عمران/۲۳.

۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۷۸.

۶. مجادله/۸.

چیزی نیست مگر معنای قائم به نفس که انسان آنرا هنگام امر و نهی دیگران، یا خبردادن به آنان با عبارات و اشارات بیان می‌کند.^۱

- «عقل» به معنای درک، فهم و معرفت است.^۲ به نیرویی نیز که آماده پذیرش علمی است عقل گفته می‌شود؛ چنان‌که به علمی که انسان به وسیله این نیرو، آنرا به دست می‌آورد عقل گفته می‌شود.^۳

شان نزول آیه

برای این آیه چند سبب نزول متفاوت نقل شده است:

۱. در شان هفتاد نفری نازل شده است که حضرت موسی^۷ آنان را انتخاب کرد تا با او به دیدار خداوند بروند؛ ایشان برای شنیدن کلام خدا رفتند و خداوند آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد. هنگامی که به سوی قوم خود بازگشتند، راستگویان آنچه را شنیده بودند بازگو کردند، ولی عده‌ای از آنان گفتند: «ما شنیدیم که خدا در خلال بیان خود گفت اگر توانایی انجام این کارها را دارید انجام دهید و اگر نمی‌خواهید انجام ندهید، که گناهی بر شما نیست».^۴
۲. در شان عالمان و احبار یهودی نازل شده است که برخی احکام و معارف تورات چون حکم سنگسار شدن فرد زناکار و صفات پیامبر اسلام^۹ را تغییر دادند.^۵
۳. در شان برخی مسلمانان نازل گردیده است. ایشان امیدوار بودند با ایمان

۱. فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیر*، ص ۳۲۲.
۲. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس القرآن*، ج ۵، ص ۲۸.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۵۷۷.
۴. غرناطی، محمد بن احمد، *کتاب التسهیل لعلوم التنزیل*، ص ۲۳؛ طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۳۱۳؛ طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، ج ۱، ص ۱۴۲.
۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، ج ۱، ص ۵۱؛ طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۲۹۰؛ سیوطی، جلال‌الدین، *لباب النقول فی اسباب النزول*، ص ۱۰.

آوردن عالمان یهودی که حلال را حرام و حرام را حلال می‌کردند، دیگر یهودیان نیز به آنها اقتدا کرده، ایمان بیاورند.^۱

دیدگاه‌های مفسران

آیه ۷۵ سوره بقره اشاره مستقیمی به تحریف کلام خداوند از سوی دانشمندان یهود دارد. همه مفسران بر وقوع اصل تحریف اجماع دارند، اما در چگونگی این تحریف و اینکه چه چیز تحریف شده است، دیدگاه‌های متفاوتی را عرضه کرده‌اند که در ادامه به آنها می‌پردازیم:

تحریف اوامر خداوند در کوه طور

پس از اینکه حضرت موسی^۷ و بنی اسرائیل از دریا نجات یافتند و در خشکی ساکن شدند حضرت موسی^۷ از خداوند کتابی درخواست نمود تا به وسیله آن بنی اسرائیل هدایت شوند و اوامر و نواهی الهی را مراعات نمایند. خداوند به حضرت موسی^۷ دستور داد بعد از سی روز روزه گرفتن، برای تکلم با خدا و گرفتن کتاب هدایت به طور سینا برود. حضرت موسی^۷ برای ملاقات خداوند و دریافت کتاب الهی به وعده‌گاه رفت. بعد از گذشت چهل روز به همراه الواح هدایت که پند و اندرز بنی اسرائیل و همه احتیاجات آنها در آن، بود بازگشت.^۲ اما آنها را گوساله پرست یافت. در نهایت، بنی اسرائیل از آن حضرت خواستند خدا را به ایشان نشان دهد تا به او ایمان آورند. حضرت هم هفتاد نفر از میان قوم خود برگزید و با خود به کوه طور برد.^۳ اما آنها چنان که گذشت، اوامر خداوند و حضرت موسی^۷ را

۱. ابوحنیفه اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، ج ۱، ص ۴۳۸.

۲. ابراهیم، محمد ابوالفضل و گروه نویسندگان، *قصه‌های قرآن*، ترجمه مصطفی زمانی، ص ۲۱۳-۲۱۵.

۳. بنگرید به: خزائلی، محمد، *اعلام قرآن*، ص ۶۲۴.

که در کوه طور به آنها ابلاغ شده بود، تحریف کردند.

بر این اساس، برخی مفسران بر این باورند که مقصود از «کلام الله»، همان کلماتی است که در کوه طور به حضرت موسی⁷ نازل شد. همراهان آن حضرت آنرا شنیدند، ولی پس از بازگشت به تغییر و تحریف آن پرداختند.^۱ این خبر نشانه دریافت بی واسطه این افراد است: «ما شنیدیم که خدا در خلال بیان خود گفت...»، حال آنکه دریافت بی واسطه کلام الهی مستلزم ویژگی‌های خاصی در مخاطب است. - از این روست که تنها حضرت موسی⁷ ملقب به «کلیم الله» بوده‌اند - و با توجه به عملکرد این افراد در بازگشت از طور، چنین ظرفیتی در این افراد وجود نداشته است. توجه به این نکته، قبول این نظر را دشوار می‌نماید.

کسانی که معتقدند مقصود از تحریف در این آیه تحریفی است که از سوی همراهان حضرت موسی⁷ در طور سینا انجام گرفته است خود در چگونگی آن اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند این تحریف تحریف لفظی بوده است^۲ و برخی دیگر آنرا تحریف لفظی دانسته‌اند.^۳

تحریف در تورات

۱. حسینی بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۳۱۳؛ زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج ۱، ص ۱۵۷؛ بلاغی نجفی، محمد جواد، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۱۰۲؛ طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ج ۱، ص ۴۲۷؛ فیض کاشانی، ملا محسن، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۴۶.
۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *تنویر المعباس فی تفسیر ابن عباس*، ص ۱۲.
۳. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج ۱، ص ۱۳۱؛ رشید رضا، محمد، *تفسیر القرآن العظیم (المنار)*، ج ۱، ص ۳۵۵؛ صافی، محمود بن عبدالرحیم، *الجدول فی اعراب القرآن*، ج ۱، ص ۶۰۸.

گروهی از مفسران، معتقدند که مقصود از «کلام الله» همان تورات است که عالمان یهودی معاصر پیامبر اکرم⁹ در آن تغییر و تبدیل ایجاد کردند؛ چرا که ضمیر «هم» در «منهم» به «ان یؤمنوا» که معاصران پیامبر اکرم⁹ را در بر می‌گیرد، بازمی‌گردد. معتقدان به این دیدگاه نیز در بیان نوع تحریف یهودیان هم‌عصر پیامبر⁹ اختلاف نظر دارند: برخی بر این باورند که یهود به وسیله تأویل باطل، به تحریف معنوی تورات دست می‌زدند.^۱

ظاهر عبارات برخی دیگر با اعتقاد به تحریف لفظی تورات سازگارتر است. اینان تغییر برخی امور عقیدتی همچون صفات پیامبر⁹ یا دگرگونی برخی احکام فقهی تورات، مانند حکم سنگسارشدن زناکار را از جمله مصادیق چنین تحریفی شمرده‌اند.^۲ از امام باقر⁷ روایت شده است: مراد این آیه، یهودیان زمان پیامبر اکرم⁹ می‌باشد؛ یعنی یهودیان معاصر تورات را می‌شنوند و آنرا تحریف می‌کنند، مانند تحریف صفات خداوند و حکم رجم، یا آنرا بر وفق میل خود تاویل و تفسیر کنند.^۳

قبل از انتخاب یکی از این دو نظر، ملاحظه قرائن لفظی موجود در آیه بایسته است:

۱- فایه که بر سر فعل «أَفْطَمْعُونَ...» آمده، برای عطف به امر مقدری است

-
۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۹۸؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱۳؛ مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۱۱؛ ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۰۲.
 ۲. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۷؛ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱۳؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۹۱؛ سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۸۱؛ بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۵ و ۱۳۵.
 ۳. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، ج ۱، ص ۱۷۸.

که سیاق آیه آنرا می‌طلبد؛ به گونه‌ای که گویا فرموده است: «اتسمعون اخبارهم و تعلمون احوالهم فتطمعون»؛ آیا اخبار آنان را می‌شنوید و از احوال آنان آگاهی دارید و در عین حال انتظار دارید که ایمان بیاورند؟ به تعبیر دیگر، آیا به ایمان آوردن کسانی طمع دارید که به خوبی از اوضاع آنها اطلاع دارید و می‌دانید که آنها در قساوت و عدم انعطاف، از نسل کسانی هستند که کلام خدا را با وجود آن همه آیات و بیانات که از زبان حضرت موسی⁷ می‌شنیدند و به حقانیت آن پی می‌بردند، تحریف می‌کردند؛ اینان نیز موضع اجداد خود را در پیش گرفته‌اند.^۱

۲- قید «مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» نشان می‌دهد که تحریف‌کنندگان تورات، با علم به حقیقت کلام خدا، آنرا دگرگون می‌کرده‌اند. و با توجه به اینکه متن مکتوب تورات تنها در اختیار احبار یهود بوده است، این تحریف‌کنندگان جز احبار یهود نخواهند بود؛ حال این تحریف یا در حین انتقال الفاظ و در مرحله لفظ بوده است که به تبع معنا را نیز دگرگون می‌کند و یا تنها در انتقال مفاهیم صورت گرفته است.^۲

۳- اگرچه آمدن واژه «یسمعون» نشان می‌دهد آنچه تحریف شده، تورات مکتوب نبوده و تحریف در مرحله استماع تورات از زبان حضرت موسی⁷ رخ داده است، ولی برای یافتن پاسخ صحیح این سؤال که مراد از «کلام الله» در آیه همان تورات است یا سخنان پیامبر اکرم⁹ یا هر دو مورد را شامل می‌شود، دو راه وجود دارد:^۳

۱. ابو سعود، محمد بن محمد، تفسیر ابو السعود (ارشاد الی مزایا الكتاب الکریم)، ص ۱۴۰؛ آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۶۶.
۲. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۱۳۴.
۳. بنگرید به: فاریاب، محمد حسین، تحریف تورات و انجیل از نگاه قرآن، معرفت ۱۳۸۸ شماره ۱۴۳، ص ۱۸۳-۱۸۷.

اوّل: اینکه بگوییم حضرت موسی⁷ تنها یک بار برای گرفتن الواح تورات به میقات خداوند رفته و در همان میقات عده‌ای از قوم خود را به همراه داشته است و آن همراهان، پس از بازگشت به سوی قوم خویش، آنچه شنیده بودند تحریف کردند.

دوم: مراد از «کلام الله» در این آیه (که هم بر الواح تورات و هم بر کلمات خداوند با موسی⁷ در میقات دوم اطلاق می‌شود) با وجود تعدد میقات همان تورات باشد که قوم حضرت موسی⁷ بعد از بازگشت از میقات، آنرا تحریف کردند.^۱

چه تقاضای رویت خداوند از سوی قوم بنی اسرائیل⁷ باشد^۲ و چه از سوی هفتاد نفری باشد که همراه حضرت موسی⁷ بودند^۳، سیر مجموع آیات و روایات با تعدد میقات سازگارتر است؛ چرا که حضرت موسی⁷ در میقات اوّل خود، الواح تورات را دریافت می‌کند و پس از بازگشت و دیدن گوساله‌پرستی قوم خود، به همراه هفتاد نفر از قوم خود به میقات دوم می‌روند که در آنجا قوم او تقاضای رویت می‌کنند.^۴ بنابراین نسبت تحریف به «کلام الله»، نسبت شنیداری است نه اینکه در متن اصلی آن تغییری رخ داده باشد.

با توجه به این نکات و تفاوت «کلام» با «کتاب» و اینکه تحریف به کلام و به

۱. میدی، احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عنة الابرار، ج ۱، ص ۲۳۶؛ نخجوانی، نعمت الله بن محمود، الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية، ج ۱، ص ۳۸.

۲. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، ص ۱۶۹.

۳. ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۷۴.

۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۴۲۷؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۱، ص ۳۳۶.

صورت شنیداری نسبت داده شده نه به کتاب خدا،^۱ به نظر می‌رسد مراد از تحریف در آیه فوق، معنای لغوی تحریف باشد؛ چراکه یهود کلام خدا را درک می‌کردند و آن‌را می‌فهمیدند، اما از معنای حقیقی و دلالت طبیعی آن، روی گردان بودند و کلام خدا را مطابق خواسته خود تفسیر و معنا می‌کردند.

نتیجه

بنابر استناد به ظواهر آیه، که به‌طور مستقیم به تحریف توسط احبار یهود اشاره دارد، چیزی جز تحریف معنوی تورات قابل اثبات نیست.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۳. ابراهیم، محمد ابوالفضل، *قصه‌های قرآن*، ترجمه مصطفی زمانی، چاپ چهارم: قم، انتشارات فاطمة الزهرا، ۱۳۷۵ش.
۴. ابن جزی، غرناطی، محمد بن احمد، *کتاب التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت، شرکت دارالارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن کثیر اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب اللمیة، ۱۴۱۹ق.
۶. _____، *البدایة و النهایة*، بیروت، مکتبة المعارف، ۱۹۶۶م.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۸. ابو السعود، محمد بن محمد العماری، *تفسیر ابی السعود او ارشاد الی مزایا الكتاب الکریم*، بیروت، دارالفکر، ۹۸۲ق.

۱. بنگرید به: شیرازی (ملاصدرا)، صدرالدین محمد بن ابراهیم، *مفاتیح الغیب*، ص ۲۴.

۹. اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، *البحر المحيط فى التفسير*، بيروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۰. بغوی، حسين بن مسعود، *معالم التنزيل فى تفسير القرآن*، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. بلاغی نجفی، محمد جواد، *آلاء الرحمن فى تفسير القرآن*، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، *تاج اللغة و صحاح العربیه*، بی جا، الم مطبعة الكبرى، ۲۹۲ق.
۱۳. حسینی بحرانی، سید هاشم، *البرهان فى تفسير القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ق.
۱۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسير اثنا عشری*، تهران، میقات، ۱۳۶۳ش.
۱۵. حقى بروسوى، اسماعیل، *روح البیان*، بيروت، دارالفکر، بی تا.
۱۶. خزائلی، محمد، *اعلام قرآن*، چاپ دوم: بی جا، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰ش.
۱۷. دروزه، محمد عزت، *تفسير الحديث*، قاهره، دار احیاء الكتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
۱۸. رازی، جمال الدین حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن*،
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فى غریب القرآن*، دارالعلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۰. رشید رضا، محمد، *تفسير المنار*، بيروت، دارالفکر، بی تا.
۲۱. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، بيروت، مکتبۃ الحیة، بی تا.
۲۲. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بيروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۳. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *الجدید فى تفسير القرآن المجید*،

- بيروت، دارالتعارف، ١٤٠٦ق.
٢٤. سيوطي، جلال الدين، الدرّ المثلوث في تفسير المأثور، قم، كتابخانه آية الله مرعشي، ١٤٠٤ق.
٢٥. ———، لباب النقول في اسباب النزول، بي جا، دارالكتب العلميه، بي تا.
٢٦. صافي، محمود بن عبدالرحيم، الجدول في اعراب القرآن، دمشق - بيروت، دارالرشيد - مؤسسه الايمان، ١٤١٨ق.
٢٧. طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات حوزة علميه قم، ١٤١٧ق.
٢٨. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٢٩. طبري، محمد بن جرير، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفه، ١٤١٢ق.
٣٠. ———، تاريخ الامم والملوك، چاپ دوم: قاهره، دارالمعارف مصر، بي تا.
٣١. طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، بي جا، مكتب نشر الثقافة الاسلاميه، ١٤٠٨ق.
٣٢. طنطاوي جوهري، الجواهر في تفسير القرآن، بيروت، دارالفكر، بي تا.
٣٣. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.
٣٤. غرناطي، محمد بن احمد، كتاب التسهيل لعلوم التنزيل، بيروت، شركة دارالارقم بن ابي الارقم، ١٤١٦ق.
٣٥. فخررازي، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
٣٦. ———، التفسير الكبير، بيروت، دار احياء التراث الاسلامي، ١٤١٢ق.
٣٧. فضل الله، محمدحسين، تفسير من وحي القرآن، بيروت، دارالملك، ١٩٩٩م.
٣٨. فيروزآبادي، ابي طاهر محمد بن يعقوب، تنوير المقباس في تفسير ابن

- عباس، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۹. فیض کاشانی، ملا محسن، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، قم، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۴۰. فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیر*، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۱. قرشی، سید علی اکبر، *احسن الحدیث*، تهران، واحد تحقیقات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۴۲. _____، *قاموس القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۴۳. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۴۴. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر التمی*، قم، مؤسسه دارالکتب للطباعة و النشر، ۱۳۶۷ش.
۴۶. معرفت، محمد هادی، *صیانة القرآن من التحریف*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۹ش.
۴۷. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۴۸. مبدی، رشیدالدین، *کشف الاسرار و علة الابرار*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
۴۹. شیرازی (ملاصدرا) صدرالدین محمد بن ابراهیم، *مفاتیح الغیب*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۵۰. نخجوانی، نعمت الله بن محمود، *الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه*، مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹م.